



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه ای با تاکید بر خاورمیانه و شمال آفریقا

موضوع

امکان سنجی شکل گیری منطقه گرایی اقتصادی ناشی از فرآیند جهانی
شدن اقتصاد در شورای همکاری خلیج فارس

استاد راهنما

دکتر رضا اکبریان

استاد مشاور

دکتر ابراهیم عباسی

تهیه و تدوین

محسن شکری

زمستان ۱۳۹۲

تقدیم به پدر و مادر مهربان و دلسوزم

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه و کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسأله.....	۱۲
۲-۱- پیشینه پژوهش.....	۱۴
۱-۲-۱- مطالعات خارجی انجام شده.....	۱۴
۲-۲-۱- مطالعات داخلی انجام شده.....	۱۸
۳-۲-۱- مطالعه حاضر.....	۲۰
۳-۱- ضرورت پژوهش.....	۲۱
۴-۱- هدف پژوهش.....	۲۲
۵-۱- سئوالات پژوهش.....	۲۲
۱-۵-۱- سؤال اصلی.....	۲۲
۲-۵-۱- سئوالات فرعی.....	۲۲
۶-۱- فرضیه پژوهش و متغیرهای آن.....	۲۳
۷-۱- روش پژوهش.....	۲۳
۸-۱- پیامدهای اثبات فرضیه.....	۲۴
۹-۱- محدوده زمانی و مکانی پژوهش.....	۲۴
۱۰-۱- محدودیت های پژوهش.....	۲۴
۱۱-۱- سازماندهی پژوهش.....	۲۵
پی نوشت ها و منابع.....	۲۶

فصل دوم: مبانی مفهومی، چهارچوب نظری و تحلیلی پژوهش

مقدمه.....	۳۰
۲-۱- بنیانهای مفهومی پژوهش.....	۳۱
۲-۱-۱- جهانی شدن.....	۳۲
۲-۱-۱-۱- جهانی شدن اقتصاد.....	۳۳
۲-۱-۲- منطقه.....	۳۴
۲-۱-۲-۱- منطقه گرایی.....	۳۵
۲-۱-۲-۲- منطقه ای شدن.....	۳۵
۲-۱-۲-۳- سامانه منطقه ای.....	۳۵
۲-۱-۳- همکاری.....	۳۶
۲-۱-۳-۱- همکاری منطقه ای.....	۳۶
۲-۱-۴- همگرایی.....	۳۶
۲-۱-۴-۱- همگرایی تجاری منطقه ای.....	۳۷
۲-۱-۴-۲- همگرایی اقتصادی منطقه ای.....	۳۷

۳۸	۲-۱-۵- منطقه گرایی اقتصادی
۳۹	۲-۱-۶- خلیج فارس
۳۹	۲-۱-۶-۱- شورای همکاری خلیج فارس
	۲-۲- چهارچوب نظری و تحلیلی پژوهش (۱)
۴۰	۲-۲-۱- نظریه های منطقه گرایی
۴۱	۲-۲-۱-۱- نظریه سازه انگاری
۴۴	۲-۲-۱-۲- نظریه وابستگی متقابل
۴۶	۲-۲-۱-۳- نظریه کارکرد گرایی و نو کارکردگرایی
۴۹	۲-۲-۱-۴- نظریه کانتوری و اشپیگل
۵۰	۲-۲-۲- دلیل انتخاب نظریه ها (کاربست نظریه ها)
۵۰	۲-۲-۲-۱- نظریه سازه انگاری
۵۱	۲-۲-۲-۲- نظریه کارکرد گرایی و نو کارکردگرایی
۵۲	۲-۲-۲-۳- نظریه وابستگی متقابل
۵۳	۲-۲-۲-۴- نظریه کانتوری و اشپیگل
۵۴	۲-۲-۳- چهارچوب تحلیلی پژوهش (۲)
۵۶	نتیجه گیری فصل دوم
۵۶	آنچه مطالعه خواهید کرد...

فصل سوم : شورای همکاری خلیج فارس : ساختارها و فرآیندها

۵۸	مقدمه
۵۹	۳-۱- گذار اجمالی - بسترمند بر خاورمیانه و اقتصاد سیاسی آن
۶۳	۳-۲- گذاری اجمالی - بسترمند بر خلیج فارس و اهمیت آن
۶۵	۳-۳- گذاری اجمالی - بسترمند بر اقتصاد سیاسی خلیج فارس
۶۸	۳-۴- شورای همکاری خلیج فارس : رویکردی تحلیلی- تاریخی بر علل و فرآیند شکل گیری (بستر و کنش)
۶۹	۳-۴-۱- علل و ساختارهای مؤثر بر شکل گیری (رویکردی انتقادی)
۷۲	۳-۴-۲- فرآیند شکل گیری با کنش های متقابل ارتباطی نخبگان
۷۳	۳-۵- ساختار سیاسی - اجتماعی شورای همکاری خلیج فارس
۷۶	۳-۶- ساختار نهادی - سازمانی شورای همکاری خلیج فارس
۸۰	۳-۷- شباهت ها و تفاوت های کلی اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس
۸۳	۳-۸- ساختار اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس
۹۶	۳-۸-۲- تنوع اقتصادی
۹۸	۳-۸-۲- چالش ها و فرصتهای اقتصادی
۱۰۰	۳-۹- ساختار تجاری شورای همکاری خلیج فارس
۱۰۰	۳-۹-۱- الگوی نظری تبیین تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس
۱۰۱	۳-۹-۲- تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس (صادرات و واردات)

۱۰۱	۳-۹-۲-۱- حجم صادرات درون منطقه ای
۱۰۲	۳-۹-۲-۲- حجم واردات درون منطقه ای
۱۰۳	۳-۹-۲-۳- حجم تجارت درون منطقه ای
۱۰۴	۳-۹-۳- تجارت فرامنطقه ای شورای همکاری خلیج فارس
۱۰۴	۳-۹-۳-۱- حجم واردات برون منطقه ای
۱۰۷	۳-۹-۳-۲- حجم صادرات برون منطقه ای
۱۱۰	نتیجه گیری فصل سوم
۱۱۲	آنچه مطالعه خواهید کرد ...

فصل چهارم : امکان سنجی شکل گیری سامانه منطقه ای در شورای همکاری خلیج

فارس

۱۱۴	مقدمه
۱۱۵	۴-۱- سامانه منطقه ای
۱۱۷	۴-۲- متغیرها و الگوی سامانه منطقه ای
۱۱۷	۴-۲-۱- متغیر جغرافیایی
۱۱۸	۴-۲-۲- متغیر سیاسی
۱۱۹	۴-۲-۳- متغیر امنیتی
۱۲۰	۴-۲-۴- متغیر اقتصادی
۱۲۱	۴-۲-۵- اجتماعی- فرهنگی
۱۲۱	۴-۲-۶- متغیر نظام مداخله گر
۱۲۱	۴-۲-۷- الگوی تحلیلی - نظری سامانه منطقه ای
۱۲۳	۴-۳- ارزیابی متغیرهای درون سامانه منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس
۱۲۳	۴-۳-۱- ارزیابی جغرافیایی
۱۲۴	۴-۳-۲- ارزیابی سیاسی
۱۲۸	۴-۳-۳- ارزیابی امنیتی
۱۳۲	۴-۳-۴- ارزیابی اقتصادی
۱۴۶	۴-۳-۵- ارزیابی اجتماعی- فرهنگی
۱۵۱	نتیجه گیری فصل چهارم
۱۵۲	آنچه مطالعه خواهید کرد ...

فصل پنجم : گذاری بر فرایند همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس از ابتدا تا

به امروز

۱۵۴	مقدمه
۱۵۵	۵-۱- فرآیند همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس
۱۵۵	۵-۱-۱- موافقتنامه یکپارچه اقتصادی
۱۵۶	۵-۱-۲- منطقه تجارت آزاد و موافقتنامه های تجاری فرا منطقه ای

۱۶۰	۵-۱-۳- موافقتنامه اقتصادی ۲۰۰۱
۱۶۱	۵-۱-۴- اتحادیه گمرکی و وضعیت آن
۱۶۷	۵-۱-۵- همگرایی زیر ساختی و وضعیت آن
۱۷۱	۵-۱-۶- اتحادیه پولی و وضعیت آن
۱۷۷	نتیجه گیری فصل پنجم
۱۷۸	آنچه مطالعه خواهید کرد ...

فصل ششم: امکان سنجی شکل گیری منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس

۱۸۰	مقدمه
۱۸۱	۶-۱- منطقه گرایی اقتصادی و شورای همکاری خلیج فارس
۱۸۱	۶-۱-۱- انگیزه اولیه منطقه گرایی اقتصادی
۱۸۴	۶-۱-۱-۱- تأثیر متغیرهای سامانه منطقه ای بر فرآیند همگرایی
۱۸۵	۶-۱-۲- رگرسیون اول منطقه گرایی اقتصادی
۱۸۸	۶-۱-۳- بازخیزی منطقه گرایی اقتصادی
۱۹۲	۶-۱-۳-۱- تأثیر متغیرهای سامانه منطقه ای بر فرآیند همگرایی
۱۹۳	۶-۱-۴- رگرسیون دوم منطقه گرایی اقتصادی
۱۹۶	۶-۱-۴-۱- تأثیر متغیرهای سامانه منطقه ای بر فرآیند همگرایی
۲۰۰	۶-۱-۵- بازخیزی منطقه گرایی اقتصادی
۲۰۷	نتیجه گیری فصل ششم

فصل هفتم: جمع بندی و نتیجه گیری

۲۱۱	جمع بندی و نتیجه گیری کلی
۲۲۱	برخی از یافته های پژوهش
۲۲۳	منابع و مأخذ

جداول ، نمودار ها و شکل ها

الف (جداول

- جدول ۱- ۱) انواع پروژه های منطقه گرایی اقتصادی ۴۰
- جدول ۲- ۱) نظریه های منطقه گرایی و چرخه بازانديشی آن ۴۱
- جدول ۲- ۲) سازو کار جرح و تعدیل شده نوکارکردگرایی نای ۴۸
- جدول ۲- ۳) انواع عوامل پیشرفت و شروط اداراکی همگرایی از دید جوزف نای برای همگرایی ۵۰
- جدول ۲- ۴) انواع پروژه منطقه گرایی اقتصادی ۵۵
- جدول ۳- ۱) خاندان های حاکم بر دولتهای شورای همکاری خلیج فارس و وابستگی های قبیله ای (با اضافات) ۷۴
- جدول ۳- ۲) سیاست و حکومت در شورای همکاری خلیج فارس ۷۵
- جدول ۳- ۳) برنامه ها اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای توسعه و تنوع اقتصادی ۹۷
- جدول ۳- ۴) نقاط ضعف ، قوت ، تهدید ، فرصت اقتصادی اعضای شورای همکاری خلیج فارس ۹۹
- جدول ۳- ۵) تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس - بخش صادرات ۲۰۰۸-۲۰۱۱ (میلیون دلار) ۱۰۱
- جدول ۳- ۶) تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس - بخش واردات ۲۰۰۸ - ۲۰۱۱ (میلیون دلار) ۱۰۳
- جدول ۳- ۷) حجم تجارت درون منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس ۲۰۰۸ - ۲۰۱۱ (میلیون دلار) ۱۰۳
- جدول ۴- ۱) متغیرها و شاخصها یا زیر متغیرهای سامانه منطقه ای برای شورای همکاری خلیج فارس ۱۲۲
- جدول ۴- ۲) تاثیر متغیر سیاسی بر سامانه منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس ۱۲۷
- جدول ۴- ۳) تحولات امنیتی منتج به درک مشترک امنیتی در شورای همکاری خلیج فارس بر حسب گشتاور زمانی ۱۳۱
- جدول ۴- ۴) شاخص رشد اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ ۱۳۵
- جدول ۴- ۵) تولید ناخالص داخلی بر حسب درآمد سرانه ۲۰۰۸-۲۰۱۰ (هزار دلار) ۱۳۶
- جدول ۴- ۶) خاندان های حاکم بر دولتهای شورای همکاری خلیج فارس و وابستگی های قبیله ای ۱۴۷
- جدول ۴- ۷) متغیر اجتماعی - فرهنگی و تاثیر آن بر سامانه منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس ۱۴۹
- جدول ۴- ۸) تاثیر متغیرها بر سامانه منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس ۱۵۰
- جدول ۵- ۱) وضعیت موافقتنامه های تجاری شورای همکاری خلیج فارس ۱۵۸
- جدول ۵- ۲) اهداف همگرایی اقتصادی در موافقتنامه های ۱۹۸۱ و ۲۰۰۱ شورای همکاری خلیج فارس ۱۶۱
- جدول ۵- ۳) مقیاس های ریچارد شیداس برای سنجش عملکرد فرآیند همگرایی شورای همکاری خلیج فارس ۱۶۳
- جدول ۵- ۴) تاریخ همگرایی منطقه ای برق در شورای همکاری خلیج فارس ۱۶۸
- جدول ۶- ۱) انگیزه اولیه شورای همکاری خلیج فارس در راستای منطقه گرایی اقتصادی ۱۸۳
- جدول ۶- ۲) وضعیت منطقه گرایی اقتصادی پس از بازخیزی منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس ۱۹۱
- جدول ۶- ۳) باز خیزی منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس و تداوم آن با افزایش وابستگی متقابل ۲۰۵

ب) نمودار ها

- نمودار ۳-۱) جمعیت شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ (میلیون نفر) ۸۵
- نمودار ۳-۲) تولید ناخالص داخلی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ (میلیارد دلار) ۸۵
- نمودار ۳-۳) مقایسه تولید ناخالص داخلی شورای همکاری خلیج فارس در سالهای ۲۰۰۱، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ ۸۶
- نمودار ۳-۴) تاثیر نوسانات نفت بر تولید ناخالص داخلی بر حسب درآمد سرانه از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۱ ۸۷
- نمودار ۳-۵) مقایسه درآمد سرانه شورای همکاری خلیج فارس با درآمد سرانه جهان از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ ۸۷
- نمودار ۳-۶) میزان کل ذخایر نفت (میلیارد بشکه) و گاز (تریلیون متر مکعب) شورای همکاری خلیج فارس در جهان ۸۸
- نمودار ۳-۷) ذخایر نفت و گاز در شورای همکاری خلیج فارس و میزان تولیدات آنها در سال ۲۰۱۱ ۸۹
- نمودار ۳-۸) ارزش نفت در صادرات اعضای شورای همکاری خلیج فارس از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ ۹۱
- نمودار ۳-۹) سهم بخش نفت و گاز و غیر نفتی در تولید ناخالص داخلی شورا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ ۹۲
- نمودار ۳-۱۰) سهم بخش غیر نفتی در اقتصاد شورای همکاری خلیج فارس از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ ۹۳
- نمودار ۳-۱۱) مبداء و میزان واردات شورای همکاری خلیج فارس از جهان در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ ۱۰۵
- نمودار ۳-۱۲) مقصد و میزان صادرات شورای همکاری خلیج فارس به جهان در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ ۱۰۸
- نمودار ۴-۱) تاثیر تهدیدات محیطی در ایجاد مدل‌های مختلف از همگرایی منطقه ای ۱۱۷
- نمودار ۴-۲) مقایسه رشد اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس در سطح جهانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ ۱۳۴
- نمودار ۴-۳) تولید ناخالص داخلی بر حسب درآمد سرانه در شوری همکاری خلیج فارس از سال ۱۹۷۵ تا ۲۰۱۱ ۱۳۸
- نمودار ۵-۱) وضعیت اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۱ ۱۶۵
- نمودار ۵-۲) چشم انداز وضعیت اتحادیه گمرکی در سال ۲۰۱۵ ۱۶۵
- نمودار ۵-۳) وضعیت همگرایی زیرساختی در سال ۲۰۱۱ ۱۷۱
- نمودار ۵-۴) وضعیت همگرایی زیرساختی در سال ۲۰۱۱ ۱۷۱
- نمودار ۵-۵) نرخ تورم در شورای همکاری خلیج فارس از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ ۱۷۳
- نمودار ۶-۱) فعالیت های کسب و ادغام در شورای همکاری خلیج فارس سال ۲۰۱۰ ۲۰۵

ج) شکل ها

- شکل ۱-۲) بنیانهای مفهومی پژوهش ۳۱
- شکل ۲-۲) الگوی واکنش دولتها در قبال تهدیدات امنیتی با نگاه ساز انگاری به امنیت هویتی و فیزیکی ۴۳
- شکل ۳-۲) الگوی سامانه منطقه ای بر اساس نظریه های کارکردگرایان ، کانتوری و اشپیگل و سازانگاری ۵۰
- شکل ۱-۳) روند حرکت شش دولت عربی خلیج فارس از انشقاق به اتحاد و همکاری از کانون انقلاب اسلامی ایران و جنگ ایران و عراق ۷۰
- شکل ۲-۳) تاثیرات نفت و وابستگی بر اقتصاد شورای همکاری خلیج فارس ۷۱
- شکل ۳-۳) ساختار سازمانی - نهادی شورای همکاری خلیج فارس ۷۹
- شکل ۴-۳) نحوه شکل گیری دولت نفتی برخاسته از سلطه ایدئولوژیک در اقتصادهای شورای همکاری خلیج فارس ۹۴
- شکل ۵-۳) ساختار کلان اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس بر حسب شاخص ها ۹۵
- شکل ۶-۳) هرم وارداتی شورای همکاری خلیج فارس در اقتصاد جهانی ۱۰۷
- شکل ۱-۴) الگوی تحلیلی - نظری سامانه منطقه ای (شورای همکاری خلیج فارس) ۱۲۲
- شکل ۲-۴) محاصره ی ایدئولوژیک با قطبیت ایدئولوژی اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی ایران در زیستبوم منطقه ای ۱۳۰
- شکل ۳-۴) الگوی نظری برای فهم تاثیر شکاف درآمدی بر همگونی واحدها در سامانه اقتصادی ۱۳۶
- شکل ۴-۴) سامانه اقتصادی منطقه ای - شورای همکاری خلیج فارس ۱۴۵
- شکل ۵-۴) مراحل توسعه هویت شورای همکاری خلیج فارس ۱۴۷
- شکل ۱-۵) فرایند کلی همگرایی شورای همکاری خلیج فارس از ابتدا تا ۲۰۱۰ ۱۵۹
- شکل ۲-۵) وضعیت اتحادیه گمرکی در شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۱۱ ۱۶۳
- شکل ۳-۵) اتصال برق شورای همکاری خلیج فارس ۱۶۸
- شکل ۴-۵) وضعیت زیرساختی در شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۱۱ ۱۷۰
- شکل ۵-۵) وضعیت اتحادیه پولی در شورای همکاری خلیج فارس ۱۷۵
- شکل ۱-۶) فرآیند تاثیر متغیرهای سامانه منطقه ای (بستر سامانه منطقه ای) بر همگرایی و منطقه گرایی شورا ۱۸۴
- شکل ۲-۶) رگرسیون اول شورای همکاری خلیج فارس ۱۸۸
- شکل ۳-۶) بازخیزی منطقه گرایی اقتصادی فرآیند همگرایی ۱۹۳
- شکل ۴-۶) رگرسیون منطقه گرایی تحت تاثیر متغیرهای سامانه در فرآیند همگرایی ۱۹۹
- شکل ۵-۶) روند منطقه گرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس از ابتدا تا سال ۲۰۱۱ ۲۰۶

چکیده

طی دو دهه اخیر، نظام بین الملل شاهد آغاز دوران جدیدی تحت عنوان «جهانی شدن» با ابعاد همچون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می باشد. جهانی شدن اقتصاد به عنوان یکی از بارزترین و مهمترین ابعاد جهانی شدن مطرح می باشد که در آن بر تحرک کالا، تحرک سرمایه و تحرک نیروی کار، یکپارچگی اقتصادهای بین المللی و... تاکید می شود. در چهارچوب روابط اقتصاد بین الملل پس از جنگ سرد، روند جهانی شدن اقتصاد هرچه بیشتر دولتها را به تلاش در جهت ورود گسترده تر و همه جانبه تر در دسته بندی های منطقه ای برای افزایش مانور اقتصادی ترغیب می کرد که ورود به آن می تواند باعث ظهور و رشد هویت سیاسی و منطقه ای جدید بشود. منطقه خاورمیانه نیز از تبعات این پدیده چند وجهی مصون نماند. این منطقه از جمله مناطقی است که هدف نیروی خودسر جهانی شدن اقتصاد قرار گرفت. در این راستا، دولتهای منطقه برای مقابله با چالش های جهانی شدن اقتصاد همکاری ها و تعاملات منطقه ای را در قالب سازمانها و پروژه های همگرایی افزایش دادند. یکی از این سازمان ها، «شورای همکاری خلیج فارس» می باشد که از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی معتبر جهان چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به عنوان مهمترین و مدرن ترین پروژه همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی در خاورمیانه شناخته شده است. در این راستا و با علم به اهمیت موضوع، در این پژوهش در صدد هستیم که به تأثیر جهانی شدن اقتصادی به عنوان یک پدیده چند وجهی، را بر شکل گیری منطقه گرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس پرداخته و امکان شکل گیری منطقه گرایی اقتصادی را در این سازمان مورد سنجش قرار دهیم. این پژوهش از بعد روشی از روش های روشی تلفیقی - تجویزی (مشمول بر روش های توصیفی - تاریخی، تحلیلی - سیستمی، آماری - مقایسه ای) و به لحاظ نظری از نظریات مهم منطقه گرایی برای تجزیه و تحلیل و بحث استفاده کرده است. بر این اساس، نتایج حاصله از بررسی ها و تجزیه و تحلیل های انجام گرفته حاکی از این است که شورای همکاری خلیج فارس در بستر یک سامانه منطقه ای مهیا فرآیند تعمیق همگرایی اقتصادی سرعت بخشیده و در این راستا، امروز نوع متفاوتی از منطقه گرایی اقتصادی را در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا نشان می دهد که در نتیجه این شرایط می توان گفت امکان شکل گیری منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس در آینده با تردید روبه رو نیست.

کلید واژه: جهانی شدن اقتصاد، شورای همکاری خلیج فارس، منطقه گرایی اقتصادی، تنوع اقتصادی، اقتصاد سیاسی رانت گرایی، همگرایی اقتصادی، سامانه منطقه ای.

فصل اول

مقدمه و کلیات پژوهش

۱-۱- بیان مسأله

طی دو دهه اخیر ، نظام بین الملل شاهد آغاز دوران جدیدی با عنوان جهانی شدن می باشد. که علاوه بر اینکه حاکمیت دولت ها را تحت تاثیر قرار داده است ، موجب ظهور بازیگران جدید در عرصه جهانی شدن شده است که بر اقتصاد جهانی حاکم شده است. [۱] جهانی شدن تجلی این برداشت متداول و رایج است که جهان به سرعت با نیروهای اقتصادی تکنولوژی به یک فضای اجتماعی مشترک و واحد تبدیل می شود و رویدادها و وقایع در یک منطقه از جهان پیامدهای مهمی را برای اقبال زندگی افراد و جوامع در دیگر سوی جهان دارد. بدون اغراق باید گفت که جهانی شدن اقتصاد مهمترین و بارزترین وجه تمایز اقتصاد دیروز و امروز جهان و یکی از مهمترین تحولات اواخر قرن بیستم است که ارتباط و وابستگی متقابل اقتصادها و بازارهای مالی را افزایش داده است. [۲]

در راستای پدیده جهانی شدن (جهانی شدن اقتصاد) و به موازات آن همگرایی تجاری - اقتصادی افزایش یافته ، به طوری که در دهه ۹۰ موج جدیدی از منطقه گرایی شکل گرفت که از آن به عنوان موج دوم یاد می کنند. [۳] این شرایط جدید باعث شد که همکاری های منطقه ای در نقاط گوناگون جهان اهمیت بیشتری پیدا کند، بطوری که موفقیت در ایفای نقش سازنده در مناطق پیرامونی هر کشور ، مقدمه ورود موفقیت آمیز آن کشور در عرصه جهانی به حساب آمد . در نگاهی ، در عصر جهانی شدن ، منطقه گرایی در میان کشورهای در حال توسعه می تواند راهکاری به منظور جلوگیری از حاشیه شدن باشد . [۴] و به عبارت روشنتر باید گفت که کشورهای در حال توسعه به سه دلیل به منطقه گرایی روی می آورند ؛ اول اینکه اقتصاد خود را در برابر مشکلات جهانی محافظت کنند ، دوم اینکه مزیت نسبی و رقابتی شان را افزایش دهند و نهایتاً اینکه خود را برای ورود به بازارهای جهانی آماده کنند. [۵]

در واقع ، تحولات عمده فراگیر سیاسی ، اقتصادی و تکنولوژی بین المللی ، بحث از توسعه منافع اقتصادی و تجاری و گرایش به سمت منطقه گرایی اقتصادی مطرح ساخت که مهمترین این تحولات « جهانی شدن اقتصاد و گسترش وابستگی متقابل » در سطح سیستم بین الملل می باشد . در چهارچوب روابط اقتصاد بین الملل پس از جنگ سرد ، روند جهانی شدن اقتصاد هرچه بیشتر دولتها را به تلاش در جهت ورود گسترده تر و همه جانبه تر در دسته بندی های منطقه ای برای افزایش مانور اقتصادی ترغیب می کند که ورود به آن می تواند باعث ظهور و رشد هویت سیاسی و منطقه ای جدید بشود . بنابراین می توان گفت که منطقه گرایی اقتصادی یک عکس العمل ، یک مقاومت گسترده در برابر تاثیرات و نتایج احتمالی و منفی جهانی شدن اقتصاد بر اقتصادهای ملی کشورهایی که سطح پایین تری از قدرت رقابت پذیری اقتصادی و تولید را دارند ، می باشد. [۶] این دسته بندی های منطقه ای ، عکس العمل ها و مقاومت های گسترده دولتها برای افزایش مانور

اقتصادی و مقابله با چالش های جهانی شدن و به طور خاص جهانی شدن اقتصاد در چهارچوب پروژه های منطقه گرایی اقتصادی را می توان در جایجای جهان از امریکا گرفته تا اروپا ، آفریقا و آسیا به ویژه در خاورمیانه و زیر سیستمهای آن به صورت گوناگون مشاهده کرد .

در میان این مناطق ، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله مناطقی بود که هدف خودسری های پدیده ی جهانی شدن اقتصاد قرار گرفت . همگرایی اقتصادی در خاورمیانه و شمال آفریقا معمولاً مجموعه ای از سازمان ها و نهادهای منطقه ای را در بر می گیرد که ترتیباتی را برای بالا بردن حمایت از رشد اقتصادی و کارایی بازار در این بخش از جهان وضع کرده اند . از میان آنها می توان اتحادیه عرب ، اتحادیه مغرب عربی ، شورای همکاری عرب ، شورای همکاری خلیج فارس ، منطقه بزرگ تجارت آزاد عرب ، منطقه تجارت آزاد مدیترانه و اکو را نام برد . تنها بخشی از این پروژه های منطقه گرایی به طور جزئی خواه به صورت ادبیات همگرایی منطقه ای در جهان عرب و یا در مطالعات تطبیقی بزرگ منطقه گرایی تجزیه و تحلیل شده اند . مهمتر از همه اینکه مطالعات و پژوهش های موجود در روند منطقه گرایی اقتصادی در خاورمیانه اختلافات مهمی چون ساختارهای نهادی ، روش های و خط مشی های سیاست گذاری و مسیرهای توسعه ای را که در موارد مختلف می توان دید ، نادیده گرفته اند. [۷] همه پروژه های منطقه گرایی در خاورمیانه مدعی دفاع از وحدت اعراب اند ، و درصد زیادی از آنها به دنبال این هستند که به محدودیت های دولت در جریان تجارت منطقه ای ، سرمایه گذاری و کار پایان دهند . علاوه براین ، تا حدودی به طور متناقض ، بر حفظ قلمرو دولت های عضو ، تا زمانی که به اصول وستفالیای چون استقلال و عدم مداخله در امور اقتصادی وفادارند ، تاکید دارند . ترکیبی از این اصول ، مایکل بارت و اتل سلاینگن را واداشت که نتیجه بگیرند که به دلیل این شکل منطقه ای اعراب ، طراحی منطقه گرایی در بیشتر بخش های آن با شکست مواجه شده است .

با اینحال ، پروژه های منطقه گرایی به دلایل مهمی متفاوت از یکدیگرند . بعضی از پروژه های منطقه گرایی به طور فعال سطح بالایی از وابستگی متقابل میان دولت های عضو را ترغیب می کنند ، و برخی از آنها وابستگی اندک میان دولت های عضو را پیشنهاد می دهند و برخی نیز از افزایش وابستگی متقابل درون منطقه ای حمایت نمی کنند و مخالف آن هستند .

براین اساس ، شورای همکاری خلیج فارس که امروز به عنوان یکی از پروژه های منطقه گرایی اقتصادی بزرگ در خاورمیانه مطرح می باشد با هدف افزایش وابستگی متقابل میان دولت های عضو به دلایل گوناگون امنیتی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی - فرهنگی و... شکل گرفت . این شورا از همان ابتدا شکل گیری فرآیند همگرایی را با همگرایی در سطح نهادی شروع ، و در راستای منطقه گرایی اقتصادی در زیر سیستم خلیج فارس گام برداشت .

در سراسر دهه ۱۹۷۰، علیرغم ظهور مجموعه ای از برنامه ها و نهادهای فرا ملی، منطقه گرایي اقتصادی بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس - کویت، بحرین، عربستان، عمان، قطر و امارات متحده عربی - ناچیز بود اما با تشکیل « کمیته صادرات » و سپس « موافقتنامه یکپارچگی اقتصادی » به عنوان هسته و کانون فرآیند همگرایی اقتصادی، روند منطقه گرایي اقتصادی را خود شروع کرد و با امضای موافقتنامه اقتصادی ۲۰۰۱ این فرایند را تسریع کرد به طوری که با تداوم همگرایی اقتصادی امروزه نوع متفاوتی از منطقه گرایي اقتصادی را نشان می دهد. اما مسأله مهم این است که آیا با وجود چالش های سیاسی و به ویژه اقتصادی در دولتهای عضو در عصر جهانی شدن اقتصاد، این سازمان می تواند یک پروژه منطقه گرایي اقتصادی را شکل دهد یا نه. بنابراین، در این پژوهش هدف این است که با در نظر گرفتن سایر متغیر ها و مؤلفه ها تاثیر گذار بر منطقه گرایي اقتصادی و تجاری در شورای همکاری خلیج فارس، امکان شکل گیری منطقه گرایي اقتصادی و تجاری در شورای همکاری خلیج فارس را بدقت مورد سنجش قرار دهیم.

در بحث «منطقه گرایی اقتصادی و جهانی شدن اقتصاد» و همچنین «همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس» مطالعات بسیاری در پژوهش های خارجی صورت گرفته است که در اینجا به بررسی تعدادی از آنها می پردازیم .

۱-۲-۱- مطالعات خارجی انجام شده

سلاین موریس سرهال در سال ۲۰۱۰ با مقاله ای تحت عنوان «همگرایی اقتصادی جهان عرب: بین منطقه گرایی و جهانی شدن» ، بیان می دارد که کشورهای عربی با وجود شماری از مشخصه ها و ویژگی های چون زبان ، سنت ، تاریخ ، قومی و زبانشناختی مشترک ، همگرایی اقتصادی آنها هنوز ناتمام مانده است . این مقاله در صدد است که ناقص بودن همگرایی اقتصادی میان کشورهای عربی را با استفاده از داده های آماری به عنوان شواهدی برای این عدم همگرایی در سطح بین المللی و منطقه بررسی کند . این مقاله به بررسی الگوهای رشد در جهان عرب ، سیاست های تثبیت نرخ ارز در جهان عرب، شاخص توسعه انسانی ، بررسی تجارت ، توریسم و سرمایه گذاری درون منطقه ای ، بررسی بخش های بانکی ، بازار سرمایه و پروژه های سرمایه گذاری مشترک ، تحرک نیروکار درون منطقه ای می پردازد و با تحلیلی که بر شواهد بدست آمده از داده های آماری دارد نتیجه گیری می کند ؛ اول اینکه همگرایی اقتصادی در بخش بازار کالا در بین اعراب بالا است اما این نوع همگرایی نمی توان پیش نیازی برای همگرایی دیگر بخش ها باشد و اینکه نباید موفقیت در همگرایی اقتصادی اروپا در بازار کالا را سرلوحه همگرایی اقتصادی در جهان عرب قرار داد . زیرا شواهدی دال بر اینکه رویکردهای همگرایی در همه جای جهان برابر و یکسان می باشد ، وجود ندارد . دوماً ، در جهان عرب ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی در راستای همگرایی اقتصادی می چربد . و نهایتاً اینکه توریسم ، سرمایه گذاری ، تجارت به همگرایی اقتصادی جهان عرب کمک کرده است . [۹]

کاتارزینا کاراکوسکا در یک کار تحقیقی جامع و کامل در سال ۲۰۱۰ تحت عنوان «همکاری میان تخصص: منطقه گرایی در خاورمیانه» به بررسی ویژگی های نافذ و فراگیر منطقه پرداخته است . در این مقاله به تقسیم سیاست های خاورمیانه پرداخته و آنها را به سه دسته تقسیم می کند ؛ اول سیاست های درون دولتی با رویکرد دفاع-امنیت ، دوم رویکردهای جدید در نظریه های روابط بین الملل و نقش جامعه مدنی و محیط بر سیاست گذاری و نهایتاً ، همکاری های چندجانبه و دوجانبه ، و معتقد است که همگرایی در خاورمیانه به آسانی امکان پذیر نیست . وی در این مقاله نقش حکومت ها ، بازیگران خارجی ، جامعه مدنی و تاثیرات سیاسی همکاری تجاری را بر منطقه

گرایی خاورمیانه بررسی می کند و نتیجه می گیرد برای حل و فصل اختلافات در خاورمیانه و زمینه سازی برای شکل گیری منطقه گرایی در خاورمیانه نباید نگاه ها متوجه حل اختلافات بین دولت ها باشد. بلکه باید به نیازهای مردم نیز توجه کرد. توجه به جامعه مدنی نقش ارزشمندی را در ایجاد ثبات در منطقه بازی می کند و کاهش فقر و تقویت عدالت اجتماعی نقش مهمی در ایجاد صلح بازی می کند. [۱۰]

جی شما الاتولادر سال ۲۰۱۰ در مقاله ای تحت عنوان « جهانی شدن ، منطقه گرایی جدید و چالشهای توسعه آفریقا » به بحث همگرایی منطقه ای در آفریقا و چالش های توسعه در محیط جهانی شدن می پردازد و بیان می دارد که تناقض و پارادوکس توسعه در آفریقا نتیجه فقر فراوان ناشی از جهانی شدن می باشد. وی بر این امر تاکید دارد که رهبران آفریقا برای آنکه بتوانند در راستای منطقه گرایی در عصر جهانی شدن اقتصاد حرکت کنند ابتدا باید در مفهوم مشارکت و بنیاد نظری نولیبرال تجدید نظر، و بخش صنعت و تکنولوژی اطلاعات را توسعه دهند تا بتوانند فرایند انتقال را با موفقیت طی کنند. [۱۱]

ریچارد شیدیا ، پراگ خانا ، توفیق رحیم ، حاتم ای. سامان با همکاری مرکز اندیشه پردازی بوز اند کامپنی (BOOZ and COMPANY) ، مقاله ای را با عنوان « در حال همگرایی ، نه همگرا شده، فرصتی برای همگرایی اقتصادی در شورا همکاری خلیج فارس » در سال ۲۰۱۱ منتشر کردند که در آن به بررسی و تجزیه و تحلیل پنج بعد مهم همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس چون اتحادیه پولی ، گمرک ، سرمایه گذاری درون منطقه ای (منطقه گرایی) ، همگرایی زیر ساختی می پردازد. نتایج تجزیه تحلیل این مقاله نشان می دهد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس علیرغم تلاش در راه همگرایی اقتصادی و پیشرفت در دستیابی اطلاعات در برخی از پارامترهای کلیدی با مشکل مواجه است. و همچنین براین اعتقاد است که راه موفقیت شورا بازار مشترک است. دولت ها باید فعالیت های اقتصادی خود در بازار مشترک از طریق ابتکارات مالی و اقتصادی مکمل در منطقه وسیع، افزایش بدهند که در نهایت این اقدامات تجارت ، سرمایه گذاری در دولت های عضو را افزایش می دهد. زیرا در نهایت همگرایی اقتصادی منطقه ای است که دولت های عضو را قادر می سازد که به بهترین نحو با چالش های اقتصادی- اجتماعی در عصر جهانی شدن مقابله کنند. [۱۲]

نیل پاتریک در سال ۲۰۱۱ در مقاله ای تحت عنوان « شورای همکاری خلیج فارس : همگرایی دولت های خلیج فارس یا مدیریت همکاری » به بررسی سابقه شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس و مسایل امنیتی بر اساس چهارچوب نظری سازانگاری و نو واقع گرایی می پردازد. این مقاله علاوه بر مسایل امنیتی شورا همکاری خلیج فارس به همگرایی اقتصادی آنها در

عصر جهانی شدن می پردازند و بیان می دارد از همان ابتدا شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس تمایل به همگرایی اقتصادی و منطقه گرایی اقتصادی مشهود بود و بر این امر تاکید دارد که برخلاف گسترش همکاری های اقتصادی ، بعد امنیتی شورای همکاری خلیج فارس محدود شده است. [۱۳]

فرد اچ لاسون در سال ۲۰۱۲ در مقاله ای تحت عنوان « دگرگونی در مدیریت اقتصاد منطقه ای در شورای همکاری خلیج فارس » با بیان شکست بیشتر مطالعات منطقه گرایی در خاورمیانه سعی دارد که بحث پروژه منطقه گرایی را بیش از هر زمان دیگر آشکار کند. بر خلاف بیشتر مطالعات منطقه گرایی در خاورمیانه که در تمیز انواع واگرایی اشکال منطقه ای شکست خورده اند این مقاله سنخ شناسی نو و بدیعی در چهارچوب یک مدل تحلیلی برای روشن ساختن اختلافات و تفاوت های اشکال منطقه ای در سراسر جهان عرب معاصر ارائه داده و ضمن بیان اختلافات و تفاوت ها ، بر اهمیت تغییرات در نوع و سطح مدیریت که در تجربه های منطقه گرایی رخ داده ، تاکید می کند. در بین پروژه های منطقه گرایی در خاورمیانه ، منطقه گرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس به عنوان نمونه مورد مطالعه بیان می دارد؛ زیرا این شکل منطقه دو گذار مهم را از زمان شکل گیری یعنی از سال ۱۹۸۱ طی کرده است و در حال حاضر نیز اساساً یک شکل متفاوتی از منطقه گرایی اقتصادی از سه دهه قبل را نشان می دهد که از یک شکل منطقه گرایی به شکل دیگری از منطقه گرایی اقتصادی در چهارچوب مدل تحلیلی انواع پروژه های منطقه گرایی تغییر کرده است. در پایان این مقاله با مدل تحلیلی که ارائه می دهد ، منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس را با سایر پروژه های منطقه گرایی در سایر بخش های جهان تشبیه می کند. نویسنده و تحلیل گر این مقاله به طور کلی مدعی است که درجه بالایی از همگرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد. و مدعی است که چنین دینامیک های از اشکال منطقه ای به همان اندازه در آسه آن، مرکوسور و جامعه اقتصادی اور-آسیا می بایست مورد بررسی دقیق تطبیقی قرار گیرند. [۱۴]

مهدی حسینی ناوه، توریس توریسیان، سید عبدالمجید جلایی در ۲۰۱۲ سال در مقاله ای با موضوع «همگرایی اقتصادی منطقه ای و تأثیرش بر رشد و رفاه اقتصادی» به بررسی تأثیرات همگرایی اقتصادی و سیاست های برون گرا رشد و رفاه کشورهای ایران و همسایگان شمالی در دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۹ می پردازد. نتایج این مقاله آشکار می سازد که مبادلات تجاری میان این کشورها افزایش یافته و همگرایی اقتصادی شکل گرفته ، بر همگرایی اقتصادی در بلند مدت تأثیر می گذارد. شاخص ها مختلف اقتصادی به ویژه شاخص رشد اقتصادی نشان دهنده همگرایی بین هر یک از این کشورها است. آزاد سازی اقتصادی تأثیر مثبتی را بر رشد تولید ناخالص داخلی

کشورهای منتخب داشته است و همچنین افزایش سرمایه گذاری داخلی رشد تولید ناخالص داخلی را بالا برده اما همزمان سرمایه گذاری خارجی تاثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است . [۱۵]

از دیگر مقالات لاتینی که سابقه علمی منطقه گرایی و جهانی شدن اشاره دارد می توان به « جهانی شدن و منطقه گرایی اقتصادی : یک ارزیابی و بررسی انتقادی » از هلن نسادوریا [۱۶] ، « منطقه گرایی جدید و ساخت نظم جهانی » از مانوئل اسپندلر [۱۷] ، « منطقه گرایی و تاثیر آن بر صادرات کشاورزی ایران مطالعه موردی سازمان همکاری اقتصادی » از ماندانا توسی ، رضا مقدسی ، سعید یزدانی و مجید احمدیان [۱۸] ، « ائتلاف کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی : چرا منطقه گرایی اهمیت دارد ؟ » جرم پریور و عمر سرانو [۱۹] ، اشاره کرد . که هر یک از این مقالات به نوعی به بررسی منطقه گرایی از جمله منطقه گرایی اقتصادی به روش توصیفی - تحلیلی و آماری (تجویزی) و نیز روش های تجربی (اثباتی) در قالب های مدل های اقتصادی پرداخته اند.

۱-۲-۲- مطالعات داخلی انجام شده

با توجه به اهمیت مقوله «جهانی شدن اقتصاد و منطقه گرایی» و سابقه علمی زیاد آن، در داخل نیز مطالعات زیادی با محوریت جهانی شدن و منطقه گرایی صورت گرفته است . لذا به برخی از این ادبیات موجود اشاره خواهیم کرد .

بهرام مستقیمی و حمیدرضا قوام ملکی در مقاله ای تحت عنوان «امکان سنجی شکل گیری سامانه منطقه ای اکو » با توجه دگرگونی در سطح بین الملل و آشکار شدن مقوله جهانی شدن اقتصاد ، امکان شکل گیری سامانه منطقه ای به عنوان یک پارامتر اساسی در شکل گیری منطقه گرایی در اکو را با متغیر های مختلف چون فرهنگی ، جغرافیایی ، سیاسی ، اقتصادی و... مورد سنجش قرار می دهد و در نهایت با تحلیل متغیر ها در چهارچوب نظری به این نتیجه می رسد که امکان شکل گیری سامانه منطقه ای در اکو با تردید جدی رو به رو می باشد . [۲۰]

احمد نقیب زاده در مقاله ای با کانونی دانستن ایران در چند زیر سیستم منطقه ای به بررسی منطقه گرایی و همگرایی ایران در زیرسیستم های آسیای مرکزی و قفقاز، شورای همکاری خلیج فارس و خاورمیانه و آسیای جنوب غربی می پردازد . این مقاله بیان می دارد که آمار و ارقام توافقات منطقه ای گواه بر این دارد که موج جدید منطقه گرایی شکل گرفته است ، موجی که ناشی از فرایند جهانی شدن اقتصاد است . این فرآیند همکاری کشور ها در منطقه را بیش از پیش افزایش داده است و به عبارت دیگر همگرایی منطقه ای را افزایش داده که این همگرایی در صورت

تداوم به منطقه گرایی مبدل خواهد شد. این مقاله براین امر تاکید دارد که ایران برای تشکیل هریک از زیر سیستم های منطقه ای در هر پنج حوزه با چالش ها مواجه است که دلیل این چالش ها در زیرسیستم منطقه ای خاورمیانه، قفقاز و خلیج فارس مشابه بوده و عبارتند از ناسیونالیسم و وابستگی به قدرت های بزرگ است. اما در حوزه چهارم و پنجم یعنی آسیای جنوب غربی و شبه قاره هند و آسیای مرکزی شرایط متفاوت است. در حوزه چهارم شرایط و زمینه های اقتصادی و سیاسی وجود دارد. و حوزه ی پنجم تنها حوزه ای است که ایران می تواند یک زیرسیستم ایجاد کند. [۲۱]

کامیل رضایی در مقاله با موضوع « امکان سنجی تشکیل بلوک های تجاری: ایران و کشورهای منتخب » به بررسی اثر یکپارچگی تجاری با جریان تجاری بین ایران و بلوک های تجاری منتخب طی دوره های زمانی ۱۹۹۲-۲۰۰۳ به روش داده تابلویی و مدل جاذبه می پردازد. بلوک های تجاری منتخب در این مقاله اتحادیه اروپا، کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای گروه دی ۸ و کشورهای جنوب شرق آسیا می باشند. در نهایت این مقاله با بیان نقش یکپارچگی های اقتصادی در توسعه روابط تجاری کشور ها، به این نتیجه می رسد که با توجه به فرآیند جهانی شدن اقتصاد، یکپارچگی تجاری بین ایران و اتحادیه اروپا، کشورهای حوزه خلیج فارس، کشورهای گروه دی ۸ و کشورهای جنوب شرق آسیا خلق تجارت می کند که از این اتحادیه ها، اتحادیه اروپا و اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا از قدرت بیشتری برخوردار است. [۲۲]

سعید وثوقی، تاج محمد شاه منصور، محمد شاهسواری، عماد رایان پور در مقاله ای با عنوان « امکان سنجی ایجاد ترتیبات تجاری منطقه ای بین ایران و کشورهای منطقه آسیای مرکزی » به بررسی ترتیبات تجاری منطقه ای ایران و آسیای مرکزی با تاکید بر وجود جنبه های تکمیلی اقتصادی بین آنها با مدل جاذبه و روش داده های تابلویی با در نظر گرفتن متغیر های هفتگانه جمعیت، فاصله جغرافیایی، درجه باز و بسته بودن اقتصاد، تولید ناخالص داخلی، حجم تجارت دوجانبه، درآمد سرانه و شاخص لیندر برای داده ها تابلویی می پردازد. و در پایان با تحلیل و بررسی مدل تحقیق به پتانسیل بالای ایجاد ترتیبات تجاری بین ایران و آسیای مرکزی اشاره می کند [۲۳].

برزگر در پایان نامه کارشناسی ارشد خود که در سال ۱۳۹۰ با موضوع « جهانی شدن و منطقه گرایی » در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز با موفقیت گذارنده است به بررسی « مقوله جهانی شدن و منطقه گرایی » پرداخته است. وی با تشریح مفهوم و تعاریف منطقه گرایی و جهانی شدن و همچنین بیان دیدگاه های مختلف در مورد هر یک از دو مقوله، سعی کرده تمام جوانب و ابعاد مرتبط را در نظر بگیرد. پایان نامه فوق بیشتر جنبه نظری، مفهومی و انتزاعی

داشته و به لحاظ روشی نیز بیشتر جنبه توصیفی - تاریخی دارد. در این پایانامه دانشجو بررسی های را بصورت کلی و انتزاعی ، غیر انضمامی - عملیاتی به منصفی ظهور رسانده است اما با وجود این ، مطالعه پایان نامه فوق جهت آشنایی کلی با مفاهیم جهانی شدن و منطقه گرایی ، دیدگاهها و نظریات مرتبط و همچنین سیر تحولات تاریخی آنها به خوانندگان ، دانشجویان و پژوهشگران توصیه می شود که خالی از لطف نیست. [۲۴]

۱-۲-۳- مطالعه حاضر (حوزه ، نوع و روش بررسی)

با بررسی این مطالعات، آنچه آشکار می گردد این است که هم در مطالعات داخلی و هم در مطالعات خارجی ، پژوهش های زیادی حول محور « جهانی شدن و منطقه گرایی » به صورت گوناگون انجام گرفته است . اما در حوزه ی مطالعاتی «همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس » آنچه کاملاً مشهود است ، سهم قابل توجه مطالعات خارجی انجام شده از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی (صندوق بین المللی پول ، بانک جهانی، بانک مرکزی اتحادیه اروپا و...) ، مراکز آموزشی و دانشگاههای معتبر جهان و حتی نهادها و سازمانهای خصوصی و غیر دولتی در سرتاسر جهان در حوزه «همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس » می باشد . این در صورتی است که در پژوهش های داخلی هم در حوزه های مطالعات منطقه ای و هم اقتصاد سیاسی بین الملل و اقتصاد بین الملل در قالب مدلینگ ، به جرأت می توان گفت که هیچ پژوهش مستقلی وسیعی و مهمی حول محور «همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس » صورت نگرفته است . این حاشیه گرایی نه متن گرایی در حوزه پژوهش های داخلی مرتبط با موضوع ، یکی از مهمترین نقص ها و کاستی های نظام آموزشی - پژوهشی ما در حوزه های مختلف مطالعاتی به ویژه علوم سیاسی می باشد .

علاوه حوزه ی بررسی ، نوع بررسی نیز از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار می باشد . به استثناء مطالعات داخلی (که پژوهشی مستقل صورت نگرفته)، باید گفت که پژوهش های خارجی بیشتر اوقات به فرآیند همگرایی و منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس توجه داشته اند و بقیه مباحث و متغیرهای تاثیر گذار بر منطقه گرایی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس بی توجه بوده اند . مثلاً هریک از این پژوهش ها بدون توجه سامانه منطقه ای و تاثیرات متغیرهای سامانه بر همگرایی شورای همکاری خلیج فارس به طور مستقیم صورت گرفته است . این وضعیت به شدت پژوهش ها را با خلاء مواجه کرده است .

از منظر روشی نیز کمتر می توان تمام روش های بررسی را در مطالعات و پژوهش های صورت گرفته به صورت یک جا و متفاوت مشاهده کرد .